



Scientific Struggle [Jihad] from the Perspective of the Quran and the Declaration of the Second Step*

Muhammad Ali Rezaei Isfahani^۱

Mehdi Rostamnejad^۲

Abstract

One of the axes of the declaration of the second step of the Islamic Revolution of the Supreme Leader is the recommendation to scientific struggle [jihad]. In this article, first, the concept of scientific struggle [jihad] is discussed and it is a subset of Great Jihad (Furqan / ۵۲); that is, it has been introduced as the part of cultural struggle [jihad] based on the Quran. In the second part of the article, the goals of scientific struggle [jihad] are explained, which is the same goal of creation; that is, knowledge then reaching the honor and power (sultan) of Islamic society. In the third part of the article, the principles of scientific struggle [jihad] are stated, such as paying attention to the levels of science, increasing knowledge, the need to refer to specialists, holistic science, useful science (not pretending and pseud science); Then in the final part of the article, the tools and consequences of scientific struggle [jihad] such as hard-working and sincere volunteer movement to produce knowledge, scientific leap to the peaks of science and efforts to produce Quranic knowledge (struggle [jihad] according to the principles and goals of science based on Quranic teachings) are stated.

Keywords: Quran, Science, Scientific Struggle [Jihad], Goals of Scientific Struggle [Jihad], Principles of Scientific Struggle [Jihad], Consequences of Scientific Struggle [Jihad].

*. Date of receiving: ۲۳, April, ۲۰۲۰, Date of approval: ۱۱, October, ۲۰۲۱.

^۱. Full Professor at Al-Mustafa International University (Corresponding Author) (rezaee.quran@gmail.com)

^۲. Associate Professor and Faculty Member, Department of Hadith Sciences, Al-Mustafa International University, Qom, Iran; (rostamnejad@gmail.com).



جهاد علمی از منظر قرآن و بیانیه گام دوم انقلاب*

محمدعلی رضایی اصفهانی^۱ - مهدی رستم نژاد^۲

چکیده

این نوشتار در پی آن است که به این پرسش پاسخ دهد که جهاد علمی در قرآن به چه معناست و لوازم آن چیست و رابطه آن با بیانیه گام دوم چیست؟ در این نوشتار از روش تحلیلی و تفسیری استفاده شده است. یکی از محورهای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی مقام معظم رهبری دامت برکاته، توصیه به جهاد علمی است، در این نوشتار نخست به مفهوم‌شناسی جهاد علمی پرداخته شده و آن را زیرمجموعه جهاد کبیر (فرقان/ ۵۲)؛ یعنی بخشی از جهاد فرهنگی مبتنی بر قرآن معرفی کرده است و در بخش دوم نوشتار اهداف جهاد علمی تبیین شده که همان هدف آفرینش یعنی معرفت‌افزایی سپس رسیدن به عزت و قدرت (سلطان) جامعه اسلامی است و در بخش سوم نوشتار مبانی و اصول این جهاد علمی بیان شده، مثل توجه به مراتب علم، دانش‌افزایی، لزوم مراجعه به متخصصین، علم جامع‌نگر، علم مفید (نه علم‌نماها)؛ سپس در بخش پایانی نوشتار، لوازم و پیامدهای جهاد علمی همچون حرکت بسیجی پرتلاش و مخلصانه برای تولید علم، جهش علمی به طرف قله‌های دانش و تلاش برای تولید دانش‌های قرآن بنیان (جهادی به مبانی و اهداف علوم بر اساس آموزه‌های قرآنی) بیان شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، علم، جهاد علمی، اهداف جهاد علمی، مبانی جهاد علمی، پیامدهای جهاد علمی.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۴ و تاریخ تایید: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹.

^۱ - استادتمام جامعه المصطفی العالمية، قم (نویسنده مسئول) (rezaee.quran@gmail.com)
^۲ - دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم حدیث جامعه المصطفی العالمية، قم (rostamnejad@gmail.com)

درآمد

در چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی سال ۱۳۹۷ ش، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی توسط مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای «دامت برکاته» برای تبیین راهبردهای انقلاب اسلامی در چهل سال عمر انقلاب، تدوین و منتشر شد (ر.ک: سایت مقام معظم رهبری، بیانیه مهم و راهبردی در چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی؛ www.leader.ir). این بیانیه دارای محورها و موضوعات متنوعی است، یکی از عناوین آن توصیه به جهاد علمی است که ایشان می‌فرمایند: «اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از قلّه‌های دانش جهان بسیار عقبیم؛ باید به قلّه‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهمترین رشته‌ها عبور کنیم. ما از این مرحله هنوز بسیار عقبیم؛ ما از صفر شروع کرده‌ایم. عقب ماندگی شرم‌آور علمی در دوران پهلوی‌ها و قاجارها در هنگامی که مسابقه علمی دنیا تازه شروع شده بود، ضربه سختی بر ما وارد کرده و ما را از این کاروان شتابان، فرسنگ‌ها عقب نگه داشته بود. ما اکنون حرکت را آغاز کرده و با شتاب پیش می‌رویم ولی این شتاب باید سال‌ها با شدت ادامه یابد تا آن عقب افتادگی جبران شود.

اینجانب همواره به دانشگاه‌ها و دانشگاهیان و مراکز پژوهش و پژوهندگان، گرم و قاطع و جدی در این باره تذکر و هشدار و فراخوان داده‌ام، ولی اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید. سنگ بنای یک انقلاب علمی در کشور گذاشته شده و این انقلاب، شهیدانی از قبیل شهدای هسته‌ای نیز داده است. به پاخیزید و دشمن بدخواه و کینه‌توز را که از جهاد علمی شما به شدت بیمناک است ناکام سازید» (ر.ک: طبقه‌بندی محتوایی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، قسمت توصیه‌ها، مسأله اول: علم و پژوهش)
اینک در این مقاله در صدد تبیین مؤلفه‌های جهاد علمی از منظر قرآن هستیم. تا در پرتو آیات و روایات راه جهاد علمی برای آینده انقلاب و جهان اسلام و تمدن اسلامی روشن شود.

اول: مفهوم‌شناسی جهاد علمی

الف: مفهوم‌شناسی علم

مفهوم لغوی کلمه «علم» و معادل‌های آن، مثل دانش و دانستن، روشن است ولی «علم» معانی اصطلاحی مختلفی دارد که ما برای روشن کردن مقصود خود، از این کلمه، ناچاریم اشارات مختصری به آنها بکنیم؛ واژه علم در این موارد و معانی به کار می‌رود:

۱. اعتقاد یقینی مطابق با واقع، در برابر جهل بسیط و مرکب.
۲. مجموعه قضایایی که مناسبتی بین آنها در نظر گرفته شود، هر چند قضایای شخصی و خاص باشد مانند علم تاریخ (دانستن حوادث خاص تاریخی)، علم رجال و ...
۳. مجموعه قضایای کلی که محور خاصی برای آنها، لحاظ شده و هر کدام از آنها قابل صدق و انطباق بر موارد و مصادیق متعدد می باشد، هر چند قضایای اعتباری و قرار دادی باشد، به این معنا علوم غیر حقیقی و قرار دادی مانند لغت دستور زبان هم، علم خواننده می شود.
۴. مجموعه قضایای کلی حقیقی (غیر قرار دادی) که دارای محور خاصی باشد و این اصطلاح علوم نظری و عملی، از جمله الهیات و ما بعد الطبیعه را در برگیرد.
۵. مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد و این همان اصطلاحی است که پوزیتیویست ها، به کار می برند و بر اساس آن، علوم و معارف غیر تجربی را علم نمی شمارد: این اصطلاح امروزه در سطح جهان رواج یافته و طبق آن، علم را در مقابل فلسفه قرار می دهند (ر.ک: رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۱۳۶۵: ۱۵۱-۱۵۲).
۶. در روایات اسلامی علم در معانی دیگری از جمله معنای «نور» نیز به کار رفته است. قَالَ الصَّادِقُ (ع) لَا يَجِلُّ الْفُثْيَا لِمَنْ لَا يَضْطَفِي [يَسْتَفْتِي] مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِصَفَاءِ سِرِّهِ وَ إِخْلَاصِ عَمَلِهِ وَ عِلَانِيَتِهِ وَ بُرْهَانِ مِنْ رَبِّهِ فِي كُلِّ حَالٍ لِأَنَّ مَنْ أَفْتَى فَقَدْ حَكَمَ وَ الْحُكْمُ لَا يَصِحُّ إِلَّا بِإِذْنِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بُرْهَانِهِ وَ مَنْ حَكَمَ بِخَيْرٍ بِلَا مُعَايَنَةٍ فَهُوَ جَاهِلٌ مَا خُوذَ بِجَهْلِهِ وَ مَا تُؤْمُّ بِحُكْمِهِ كَمَا ذَلَّ الْخَبْرُ الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَشَاءُ قَالَ النَّبِيُّ ص أَجْرُكُمْ عَلَى الْفُثْيَا أَجْرُكُمْ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْ لَا يَعْلَمُ الْمُفْتِي أَنَّهُ هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ بَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى وَ بَيْنَ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْحَائِزُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ. قَالَ سُفْيَانُ بَنُ عَيْبِنَةَ كَيْفَ يَنْتَفِعُ بِعِلْمِي غَيْرِي وَ أَنَا قَدْ حَرَمْتُ نَفْسِي نَفْعَهَا وَ لَا تَجِلُّ الْفُثْيَا فِي الْحَلَالِ وَ الْحَرَامِ بَيْنَ الْخَلْقِ إِلَّا لِمَنِ اتَّبَعَ الْحَقُّ مِنْ أَهْلِ زَمَانِهِ وَ نَاجِيَتِهِ وَ بَلَدِهِ بِالنَّبِيِّ ص وَ عَرَفَ مَا يَضِلُّ مِنْ فُثْيَاهُ قَالَ النَّبِيُّ ص وَ ذَلِكَ لِزُبْمَا وَ لَعَلَّ وَ لِعَسَى لِأَنَّ الْفُثْيَا عَظِيمَةٌ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع لِقَاضٍ هَلْ تَعْرِفُ النَّاسِخَ مِنَ الْمَنْسُوخِ قَالَ لَا قَالَ فَهَلْ أَشْرَفْتَ عَلَى مُرَادِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَمْثَالِ الْقُرْآنِ قَالَ لَا قَالَ ع إِذَا هَلَكْتَ وَ أَهْلَكَتَ وَ الْمُفْتِي يَحْتَاجُ إِلَى مَعْرِفَةِ مَعَانِي الْقُرْآنِ وَ حَقَائِقِ السُّنَنِ وَ بَوَاطِنِ الْإِسَارَاتِ وَ الْأَدَابِ وَ الْإِجْمَاعِ وَ الْإِخْتِلَافِ وَ الْإِطْلَاعِ عَلَى أَصُولِ مَا اجْتَمَعُوا عَلَيْهِ وَ مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ثُمَّ إِلَى حُسْنِ الْإِخْتِيَارِ ثُمَّ إِلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ ثُمَّ إِلَى الْحِكْمَةِ ثُمَّ إِلَى التَّقْوَى ثُمَّ حَيْثُ إِذْ قَدَرُ؛ امام صادق، مصباح الشريعة،



(۱۴۰۰: ۱۷).

البته در این نوشتار مقصود از علوم تجربی «مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات است می باشد که تقسیم بندی های مختلفی دارد».

کاربردهای علم در قرآن

واژه «علم» در قرآن کریم به چند معنا به کار رفته است:

اول: علم به معنای خاص یعنی «الهیات»

قرآن کریم هدف آفرینش جهان را آگاهی انسان از «علم و قدرت الهی» معرفی می کند؛ یعنی آگاهی از صفات خدا را به عنوان علم اعلی و هدف خلقت برشمرده است. و نیز در برخی آیات قرآن از علم «لدنی» یعنی دانشی که خدا به انسان آموزش می دهد سخن گفته شده است.

البته معنایی از علم، از مصادیق مهم دانش، بلکه با فضیلت ترین علم است، چرا که ارزش هر علم به معلوماتی است که انسان می آموزد، و هنگامی که معلومات یک علم، آگاهی از صفات خدای متعال باشد، آن علم ارزش بیشتری دارد، چرا که بهترین و با ارزش ترین معلومات جهان را می آموزد.

دوم: علم به معنای عام

قرآن کریم می فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟» «آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابرند».

به نظر می رسد مقصود از «علم» در این آیه مطلق علم و دانش است که شامل همه اقسام علم مفید می شود.

و در آیه دیگر می فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؟» «خدا کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه هایی بالا می برد.» در این آیه نیز «ایمان و علم» به عنوان دو معیار جداگانه برای برتری افراد شمرده شده است. از این جداسازی روشن می شود که خود «علم» موجب فضیلت افراد است و این علم مقید به الهیات نشده است، پس مطلق است و شامل همه دانشمندان می شود.

و در آیه دیگر می فرماید:

«إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؟» «از میان بندگان خدا، فقط دانشوران از او هراس دارند».



در این آیه نیز از دانشورانی یاد شده که نشانه‌های خدا را می‌شناسند و عظمت و مقام او را در می‌یابند از این رو از نافرمانی او هراسناکند، اما جالب این است که بخش قبلی آیه فوق و آیه قبل از آن سخن از نشانه‌های خدا در صحنه طبیعت همچون نزول باران، رویش میوه‌های رنگارنگ، جاده‌های کوهستانی رنگارنگ و انسان‌ها و جنیندگان و دام‌ها با رنگ‌های مختلف است، سپس از دانشمندان فوق الذکر یاد می‌شود. این مطلب نشان می‌دهد که مقصود از علم، دانشوران در این آیه، علوم طبیعی نیز هست، یعنی دانشمندانی که از طبیعت‌شناسی به خداشناسی می‌رسند.

تقسیم‌بندی علوم بر اساس روش

بر اساس تقسیم‌بندی مشهور معاصر، به چهار گروه تقسیم می‌شود که به این شرح است:

الف. علوم تجربی: که شامل دو قسم می‌شود:

اول. علوم طبیعی مانند: فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و ...

دوم. علوم انسانی جامعه مانند: جامعه‌شناسی، اقتصاد و ... که روش این علوم، بر اساس مشاهده و

تجربه حسّی است.

ب. علوم عقلی: که آن نیز شامل دو قسم می‌شود:

اول. علوم منطق و ریاضیات

دوم. علم راجع به واقع، یعنی فلسفه که شامل فلسفه‌های مضاف (مانند فلسفه اخلاق، فلسفه

تاریخ و...) و فلسفه‌های غیر مضاف (مانند: متافیزیک یا امور عامه) می‌شود.

ج. علوم نقلی: مانند علم تاریخ، لغت و ... که در آن‌ها از نقل استفاده می‌گردد (البته منظور در

اینجا علوم تعبدی شرعی نیست).

د. علوم شهودی: که با علم حضوری، به دست می‌آید مانند: علوم پیامبران و عرفا.

نکته: منابع و روش‌های علمی که در قرآن به آنها اشاره شده است:

قرآن کریم به روش‌های علمی یعنی چهار قسم علوم فوق و منابع مختلف علم اشاره کرده است؛

یعنی: گاهی به شیوه عقلی توجه کرده و انسان‌ها را به خردورزی و تفکر فرامی‌خواند و تشویق می‌کند.

و گاهی توجه انسان را به طبیعت جلب می‌کند و او را به کیهان‌شناسی و طبیعت‌شناسی و

انسان‌شناسی و... تشویق می‌کند.

و گاهی توجه انسان را به عمق تاریخ جلب می‌کند و داستان‌های عبرت‌آموز پیامبران و ملت‌های



پیشین را بیان می‌کند، و یا وقایع تاریخی صدر اسلام (همچون جنگ‌ها و...) را گزارش و ثبت می‌کند. و گاهی از وحی و الهامات الهی به انسان‌ها سخن می‌گوید و علم الهی را که از نزد خدا به برخی انسان‌ها می‌رسد (= علم لدنی) گوشزد می‌کند. آری هر چند هدف قرآن بیان جزئیات تمام علوم بشری نیست اما می‌توان در قرآن اشاراتی به علوم مختلف یافت. به عبارت دیگر قرآن به روش تعقلی، تجربی، نقلی و شهودی توجه کرده است و نمونه‌هایی از آنها را در قرآن یادآوری نموده است و همین توجه قرآن به روش‌ها و منابع علوم، به معنای لزوم به کارگیری این منابع است (ر.ک: رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن (۵)، قرآن و علوم طبیعی و انسانی، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۳).

ب: جهاد

واژه جهاد به معنای کوشش و تلاش است که در قرآن و احادیث در سه مورد به کار رفته است: الف) جهاد اصغر که همان مبارزه‌ی مسلحانه در میدان جنگ است. ب) جهاد کبیر که همین مبارزه‌ی فرهنگی در برابر کافران است (فرقان/۵۲) ج) جهاد اکبر که همان مبارزه با هوس‌ها و هواهای نفسانی و خودسازی است (در حدیثی از پیامبر (ص) روایت شده که هنگام بازگشت رزمندگان از جنگ مسلحانه‌ای فرمودند: «مرحباً بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقى الجهاد الاکبر. قيل يا رسول الله و ما الجهاد الاکبر؟ قال: جهاد النفس. کوفی، الجعفریات، بی‌تا: ۷۸؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲؛ صدوق، امالی، ۱۴۰۰: ۴۶۶؛ همو، معانی الاخبار، ۱۴۰۳: ۱۶۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۱۸۲/۱۹).

«جهاد» تنها به معنای «نبرد مسلحانه» نیست؛ این مفهوم شامل هر نوع کوششی برای پیش‌برد اهداف مقدس می‌شود؛ پس جهاد علمی، منطقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد (ر.ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۸۲/۴).

ج: جهاد علمی

این واژه از ترکیبات جدید در ادبیات فارسی است که می‌توان گفت به معنای «تلاش همه جانبه مخلصانه برای تولید علم» است. جهاد علمی در حقیقت زیرمجموعه جهاد فرهنگی است که در قرآن کریم از آن تحت عنوان «جهاد کبیر» یاد شده است.

﴿فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ (فرقان/ ۵۲)؛ «پس از کافران اطاعت مکن، و به وسیله‌ی آن (قرآن) با جهاد بزرگ (فرهنگ) ی با آنان مبارزه کن».

در اینجا توجه به چند نکته تفسیری لازم است:

۱. مقصود از «جهاد کبیر» در این آیه چیست؟

مسئلاً، مقصود جهاد مسلحانه نیست؛ زیرا سوره‌ی فرقان مکی است و در مکه جهاد مسلحانه بر مسلمانان واجب نشده بود.

پس مقصود جهاد فرهنگی، فکری و تبلیغاتی علیه کافران است که با کمک قرآن صورت می‌گیرد و مخالفان اسلام را در صحنه‌ی فرهنگی به شکست می‌کشاند.

اسلام از مسلمانان می‌خواهد که در برابر کافران دست به تهاجم فرهنگی بزنند.

۲. در این آیات، قرآن، اسلحه‌ی جهاد کبیر معرفی شده است؛ زیرا:

- قرآن اسلحه‌ای فکری است که در صحنه‌ی جهاد فرهنگی کاملاً مؤثر است.

- قرآن دارای قدرت بیان، استدلال، جاذبه و تأثیر عمیق است.

- قرآن روشنی‌بخش، آرام‌بخش و حرکت‌آفرین است.

۳. همان‌طور که گذشت در اسلام از سه جهاد سخن گفته شده است: جهاد اصغر، جهاد کبیر، جهاد اکبر.

۴. کافران دو گونه‌اند:

الف) گروهی که با اسلام در حال ستیز و مبارزه‌اند، که سازش و تسلیم در برابر آنان ذلت‌آور و آفت‌زاست.

ب) گروهی که سر ستیز با مسلمانان ندارند و مایل‌اند در پناه اسلام زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند و قوانین جامعه‌ی اسلامی را محترم می‌شمارند. سازش و صلح با این گروه مانعی ندارد و به این گروه کافران «اهل ذمه» گفته می‌شود.

دوم: اهداف جهاد علمی

برای جهاد علمی می‌توان اهداف زیر را از قرآن استفاده کرد:

الف: معرفت‌افزایی که هدف آفرینش جهان است

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ



قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿(طلاق/ ۱۲)﴾؛ «خدا کسی است که هفت آسمان را آفرید و از زمین (نیز) همانند آنها را. فرمان (او) در میان آنها فرود می‌آید، تا اینکه بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست و اینکه به یقین، علم خدا به هر چیزی احاطه دارد».

در اینجا توجه به نکات تفسیری زیر لازم است:

۱. در این آیه به هدف علمی آفرینش جهان اشاره شده است؛ یعنی خدا جهان را آفرید تا ما آگاه شویم و به صفت علم و قدرت او پی ببریم و در پرتو این صفات الهی تربیت شویم.
 ۲. اگر انسان به نظام عالم و نظم حاکم بر آنها بنگرد، پی به قدرت و علم آفریدگار می‌برد، و متوجه می‌شود که خدا از تمام اسرار وجود و جهان آگاه و بر هر کاری توانا بوده که چنین نظام با عظمت و دقیقی را به وجود آورده است.
 ۳. در برخی آیات قرآن هدف آفرینش، عبادت (ذاریات/ ۵۶) و در برخی دیگر آزمایش (هود/ ۷)، رحمت (هود/ ۱۱۹) و علم (طلاق/ ۱۲) معرفی شده است.
- البته روشن است که برخی از این اهداف مقدمه‌ی برخی دیگرند؛ یعنی علم مقدمه‌ی معرفت و عبادت است که موجب نزول رحمت می‌شود و همگی مقدمه‌ی کمال انسان و نزدیکی و ملاقات او با خداست (در این مورد، ذیل آیه ۵۶ سوره ذاریات مطالب مفصلی بیان شد).

ب: عزت آفرینی برای جامعه اسلامی در پرتو قدرت و سلطه علمی

قرآن کریم از طرفی عزت را مخصوص خدا، پیامبر (ص) و مؤمنان می‌داند:
﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (منافقون/ ۸)؛ «می‌گویند: در حالی که عزت فقط برای خدا و برای فرستاده‌اش و برای مؤمنان است، ولیکن منافقان نمی‌دانند».

نکات تفسیری

۱. واژه «عزت» در اصل به معنای زمین بلند است که آب بر آن نمی‌شیند و در اصطلاح به معنای شکست‌ناپذیر است. در این آیه یک قاعده کلی بیان شده است که «عزت» مخصوص خدا و رهبر مسلمانان (رسول) و مؤمنان است. این مطلب اشاره به آن است که اینگونه باشد و عزت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... به دست کافران و منافقان نباشد.
۲. منافقان متکبر مدینه همچون مشرکان مکه نیز فکر می‌کردند با محاصره‌ی اقتصادی و تبعید پیامبر صلی الله علیه و آله کار اسلام تمام می‌شود و هنوز هم مستکبران و استعمارگران جهان می‌پندارند که با محاصره‌ی اقتصادی مسلمانان انقلابی می‌توانند اسلام و ایمان را مهار و مسلمانان را



ذلیل کنند، در حالی که در نهایت مسلمانان با عزّت پیروز می‌شوند و کفر و شرک و نفاق با ذلّت شکست می‌خورد.

۳. از امام صادق علیه السلام روایت شده که

خدا همه‌ی امور مؤمنان را به خودشان واگذار کرده ولی به آنان اجازه نداده است که خوشان را ذلیل کنند (کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۱: ۵/۶۳ - ۶۴؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷: ۱۷۹/۶؛ طبرسی، مشکاة الانوار، ۱۳۸۵: ۵۰؛ مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۴: ۷۲/۶۴؛ ۹۲/۹۷)

و در حدیث دیگری می‌خوانیم که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چگونه مؤمن خودش را ذلیل می‌کند؟ حضرت پاسخ داد که «به سراغ کاری می‌رود که از او ساخته نیست» (کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۱: ۵/۶۳؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۴۰۷: ۸۰/۶؛ الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۳۸۳: ۳۳۶/۵).

و از طرف دیگر قرآن، تسلط کافران بر جامعه اسلامی را مردود می‌شمارد:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾ (نساء/۱۴۱): «و خدا هیچ راهی برای (تسلط) کافران

بر مؤمنان قرار نداده است».

نکات تفسیری

۱. کافران از نظر منطقی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی، نمی‌توانند بر مؤمنان چیره شوند و حتی برخی از فقها از آیهی فوق برای عدم تسلط حقوقی کافران بر مؤمنان استفاده کرده‌اند (واژه‌ی «سبیل» به معنای راه است و چون پس از الفاظ نفی واقع شده، معنای عامی دارد؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۴/۱۷۴)

۲. رابطه مسلمانان با کافران در قالب عهدنامه‌ها و رفت‌وآمدهایی که راه نفوذ و سلطه‌ی کفار را بر مسلمانان باز کند، حرام است؛ (ممکن است «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ» به معنای خبر و بیان قانون و سنت الهی باشد و نیز ممکن است خبر در مقام انشاء یعنی به معنای امر باشد)؛ چرا که مسلمانان باید از هر جهت مستقل باشند؛ اما این به معنای قطع رابطه‌ی کامل با همه‌ی کافران نیست. مسلمانان می‌توانند برای مسائل علمی و اقتصادی با کافرانی که سلطه‌جو نیستند، رابطه‌ی سالم و سازنده داشته باشند.

۳. با وجود این قانون و سنت عمومی که «کافران راهی برای تسلط بر مؤمنان ندارند»، گاهی می‌بینیم که کافران بر مسلمانان پیروز می‌شوند؛ زیرا در حقیقت برخی از مسلمانان، مؤمن واقعی نیستند و وظایف و مسئولیت‌ها و رسالت‌های ایمانی خود را فراموش کرده‌اند و خبری از وحدت و علم



و جهاد واقعی در میان آنها نیست؛ به همین سبب از کافران شکست می‌خورند. و از طرف سوم مسلمانان را به آمادگی همه جانبه (نظامی، علمی و ..) فرا می‌خواند: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ﴾ (انفال/ ۶۰)؛ «و هر چه در توان دارید، از نیرو و از اسب‌های آماده برای (مقابله با) آن (دشمن) آن، آماده سازید».

نکات تفسیری

۱. واژه‌ی «قُوَّة» به معنای قدرت و نیروست، اما این کلمه‌ی کوچک و پرمعنا شامل انواع وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصر و تمام نیروها و امکانات مادی و معنوی می‌شود. جالب این است که این واژه یک معنای سیال دارد که در طی زمان کهنه نمی‌شود و در هر عصری مصادیق نو می‌یابد و شامل سلاح‌های جدید می‌شود و این یکی از رمزهای جاودانگی دفاع اسلامی است.

۲. در برخی احادیث آمده است که مقصود از قُوَّة، «تیر یا شمشیر و سپر و یا هرگونه اسلحه و نیز سیاه کردن موهای سفید سربازان است (الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۳۸۳: ۱۶۴/۲-۱۶۵)؛ تا سربازان را جوان تر نمایش دهد».

البته این احادیث مصداق‌ها و موارد قوت را بیان می‌کنند، وگرنه مفهوم قوت شامل همه‌ی قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی می‌شود که می‌تواند در برابر دشمن حالت بازدارنده داشته باشد.

۳. حکایت شده که در جنگ «حُنَین» به پیامبر (ص) خبر دادند که سلاح تازه و مؤثری در «یمن» اختراع شده است. پیامبر (ص) فوراً کسانی را به آنجا فرستادند تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۲۴/۷).

۴. این که در آیه‌ی فوق پس از بیان قوت، مسئله‌ی «اسب‌های ورزیده و آماده» را بیان کرد، از باب ذکر خاص پس از عام است؛ یعنی یک دستور عام برای همه‌ی عصرها و سپس دستوری خاص برای آن عصر بیان نمود؛ چراکه اسب در میدان‌های نبرد آن روزگار نقش تانک و زره‌پوش امروز را داشت.

البته این احتمال نیز هست که مقصود از این واژه محافظت مرزها باشد (واژه‌ی «رباط» از «ربط» به معنای بستن و پیوند دادن است و غالباً در مورد بستن حیوانات در یک نقطه برای محافظت به کار می‌رفته است، سپس به همین مناسبت به معنای محافظت نیز آمده است (همان: ۲۲۱)

۵. در این آیه اهداف آمادگی نظامی و جهاد اسلامی را دو چیز بیان کرد:

الف. بازدارندگی و به هراس انداختن دشمنان خدا و مردم؛

ب. تلاش در راه خدا (و در مسیر احیای حق و عدالت).

یعنی آمادگی نظامی و جهاد اسلامی برای تصاحب اموال و سرزمین دیگران یا استعمار و استثمار آنان و با انگیزه‌های شخصی و غارتگری نیست.

۶. دشمنان حق و عدالت و استقلال و آزادی ملت‌ها براساس منطق و اصول انسانی عمل نمی‌کنند، بلکه در صورتی که ملت‌های مسلمان ضعیف باشند، هرگونه بتوانند، نظرهای خود را بر آنان تحمیل می‌کنند؛ از این روست که مسلمانان نیاز به یک نیروی نظامی قوی و بازدارنده دارند که دشمنان را به هراس اندازد. اگر مسلمانان به همین آیه‌ی قرآن عمل می‌کردند، امروز کشورهای اسلامی این‌گونه مورد تهاجم استکبار جهانی قرار نمی‌گرفت (اکنون که این مطالب را می‌نویسم، کشورهای عراق و افغانستان توسط آمریکا و انگلیس اشغال شده و آمریکاییان امروز (۲۹/۵/۱۳۸۳) در بغداد و نجف حمام خون به راه انداخته‌اند؛ فاجعه‌ای که چشم ما را اشکبار و دل ما را خونبار کرده و اگر مسلمان از ناراحتی آن بمیرد جا دارد.

و از طرف چهارم در احادیث اشاره شده که دانش قدرت‌آفرین و سلطه‌زا می‌باشد همان‌طور که واقعیت تاریخی علم و جهان امروز این مطلب را نشان می‌دهد که هر کس داناتر و مسلح به دانش‌های جدید و تکنولوژی‌های پیشرفته است بر دیگران برتری دارد.

«عن علی بن ابیطالب رضی الله عنه: الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالِحًا بِهٖ وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَالِحًا عَلَيْهِ»؛ (ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، ۱۳۸۷: ۲۰/۳۱۹) «امام علی (ع): دانش، سلطنت و قدرت است، هر که آن را بیابد با آن یورش برد و پیروز شود، و هر که آن را نیابد بر او یورش برند و مغلوب گردد».

نتیجه

از آیات و احادیث فوق به دست می‌آید که جهاد علمی می‌تواند در راستای اهداف قرآنی: معرفت‌افزایی و عزت‌آفرینی جامعه مسلمانان قرار گیرد. آری مجاهدان عرصه دانش با تولید علم به معرفت و دانش مسلمانان می‌افزایند و در نتیجه قدرت و سلطه علمی برای جامعه اسلامی در سطح جهانی فراهم می‌کنند که موجب عزت‌آفرینی می‌شود.

سوم: مبانی و اصول جهاد علمی

در مورد مبانی و اصول و تفاوت‌های آنها مطالب متفاوتی نوشته شده است (واژه مبانی در لغت از «بنا» مشتق شده است و به معنای «پایه، پی‌نهاد، بنیاد و زیرساخت» می‌آید (ر.ک: ابن منظور، لسان

العرب، ۱۴۰۷: ۱/۵۰۶؛ ابن فارس، مقایس اللغه، ۱۴۱۰: ۱/۳۰۱؛ معین، فرهنگ معین، ۱۳۷۵: ۳/۳۷۷۶؛ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۲/۱۷۷۴۱). معادل این واژه در انگلیسی Fundamentals به معنای پایه‌ها، شالوده‌ها و اصول بنیادین آمده است (حق شناس و همکاران، فرهنگ معاصر هزاره، ۱۳۸۱: ۱/۶۳۷)؛ پس معنای مبانی در فارسی، عربی و انگلیسی همخوان است.

واژه «اصل» در لغت به معنای «پایین‌ترین قسمت هر چیزی» (= پایه) و اساسی که بر آن استوار می‌شود، به کار می‌رود. اصول علوم به معنای قواعدی است که احکام بر آن مبتنی می‌شود؛ ر.ک: ابن منظور، المعجم الوسیط و نیز لسان العرب، ذیل لغت «اصل»

واژه «اصل» در فارسی و عربی مشترک لفظی است و عموماً در زبان عربی معاصر، معادل «مبانی» به کار رفته است (ر.ک: الحازمی، التوجیه الاسلامی لاصول التریبه، ۱۳۸۲: ۳۸-۴۷؛ و واژه «أسس» [جمع اساس] در عربی در برخی کاربردها در کتب تربیتی معادل «اصول تربیت» فارسی به کار رفته است. میرمرسی، اصول التریبه الثقافیه والفلسفیه، بی تا: ۸).

البته یکی از معانی «اصول» در زبان عربی نیز قاعده مستمر و عام و کلی است که با معنای اصل در فارسی همخوان است. ر.ک: التوجیه الاسلامی لاصول التریبه، ص ۳۸) لیکن در اینجا مقصود پیش‌فرض‌ها و قواعد حاکم بر جریان جهاد علمی است که تقسیم آنها گاهی مشکل است؛ چراکه برخی موارد از جهتی در مبانی و از جهتی در اصول قرار می‌گیرد، لذا از جداسازی آنها پرهیز کردیم. مهم‌ترین مبانی و اصول جهاد علمی بر اساس آموزه‌های قرآنی و حدیثی عبارتند از:

الف: علم بشر ناچیز است پس در طلب علم بیشتر باشید

﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (اسراء/ ۸۵)؛ «و از تو درباره «روح» می‌پرسند، بگو: «روح از فرمان (وجودی) پروردگار من است؛ و از دانش، جز اندکی، به شما داده نشده است».

﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ (طه/ ۱۱۴)؛ «و والاتر است خدایی که فرمانروای حق است. و (ای پیامبر) نسبت به (خواندن) قرآن شتاب موزر پیش از آن که وحی آن به سوی تو پایان پذیرد؛ و بگو: «پروردگارا! مرا دانش افزای».

نکات تفسیری

۱. علوم بشر شامل: علوم عقلی، نقلی، شهودی و تجربی (طبیعی - انسانی) است که امروزه هزاران رشته و گرایش را شامل می‌شود (در زمان حاضر رشته‌ها و گرایش‌های علمی در ایران بیش از چهار

هزار مورد است و هر ساله رو به گسترش است)

هر چه علوم بشر پیشرف بیشتری می‌کند مجهولات جدیدی در برابر او قرار می‌گیرد و متوجه می‌شود که دانسته‌های او نسبت به مجهولات او بسیار کمتر است و خدای متعال از علم گسترده خود، مقدار کمی به بشر عطا کرده است، شاید علت این امر ظرفیت قلیل ذهنی و علمی بشر عادی است.

۲. ارزش هر علم به موضوع آن است و دانش قرآنی به خاطر موضوع آن که کلام خدا و معارف الهی است بالاترین دانش هاست که لازم است انسان تلاش کند علوم قرآنی خود را افزایش دهد. این مطلب آنقدر مهم است که خدای متعال به پیامبر اسلام (دستور می‌دهد که افزایش علم خویش را در دعای خویش بخواهد.

۳. در این آیه از طرفی به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که در دریافت وحی عجله نکن اما از طرف دیگر به ایشان یادآور می‌شود که این سخن بدان معنا نیست که به دنبال افزایش دانش نباشی، بلکه از خدا بخواه که بر دانش تو بیفزاید و تو را بر ابعاد مختلف آیات قرآن آگاه سازد.

یعنی دانشجو و طلبه‌ی علم بودن، مرز ندارد و «فارغ التحصیل» شدن برای مسلمانان معنا ندارد.

۴. در احادیث اسلامی نیز در مورد طلب دانش تأکید بسیار شده است: از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند:

ارزشمندترین مردم کسانی هستند که دانش بیشتری دارند و کم‌ارزش‌ترین مردم کسانی هستند که دانش کمتری دارند (صدوق، امالی، ۱۴۰۰: ۲۰؛ قمی، سفینه البحار، ۱۴۱۶: ۱۴۳/۶).

۵. دانشی که به انسان داده شده اندک است و اطلاعات زیادی در مورد ماورای طبیعت و حتی روح خود ندارد. این واقعیتی است که پس از چهارده قرن به اثبات رسیده که دانش ما در مورد اسرار کل جهان به‌ویژه حقیقت روح بسیار اندک است، چرا که حواس انسان مادیات و محسوسات را درک می‌کند و مسائل متافیزیک از دسترس انسان تقریباً خارج است.

ب: دانش ملاک برتری افراد

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (مجادله/ ۱۱)؛ «که خدا کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه‌هایی بالا می‌برد؛ و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است».

نکات تفسیری

۱. در این آیه به یک شعار اساسی اسلام اشاره شده است و آن این است که: «آیا کسانی که می‌دانند با



کسانی که نمی‌دانند برابرند؟»

روشن است که این دو گروه نه در نزد خدا و نه در نزد مردم و نه در دنیا و نه در آخرت و نه در ظاهر و نه در باطن برابر نیستند.

۲. تفاوت مراتب جاهلان و عالمان را انسان‌های خردمند و عالم متوجه می‌شوند؛ چرا که جاهلان ارزش علم را نمی‌دانند و در حقیقت هر مرحله از علم مقدمه‌ی مرحله‌ی دیگری است.

۳. در این آیه مطلق دانایان با نادانان مقایسه شده‌اند؛ پس مقصود آیه مطلق دانش است که شامل علوم رسمی و معرفت الهی می‌شود.

البته علم حقیقی آن است که انسان را از خواب غفلت و غرور بیدار سازد و بر معرفت انسان نسبت به جهان و مبدأ هستی بیفزاید (برخی مفسران گفته‌اند که این نابرابری مربوط به مشرکان و مؤمنانی است که در اول آیه آمده است؛ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۳۹۴/۱۹؛ البته این احتمال وجود دارد، ولی برفرض پذیرش، این مطلب یکی از مصادیق آن اصل و شعار کلی است).

۴. اسلام و قرآن به علم و عالم اهمیت ویژه‌ای می‌دهند و مقام دانشمندان را گرامی می‌دارند و در احادیث اسلامی نیز بر این مسئله تأکید شده است.

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که زندگی جز برای دو کس فایده ندارد: دانشمندی که نظریات او اجرا گردد و دانشجویی که گوش (به سخنان دانشمندان) می‌دهد (کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۱: ۳۳/۱، ح ۷).

۵. معیارهای برتری افراد، علم و ایمان است؛ خدا دانشمندان و مؤمنان را با درجاتی بالا برده و بر دیگران برتری بخشیده و لازم است احترام آنان در مجالس حفظ شود و برای آنان جا باز کنند.

البته عمل به دستوره‌های الهی و رعایت آداب معاشرت مجالس نیز نشانه‌ای از ایمان و آگاهی افراد است که موجب افزایش درجات آنان می‌شود.

۶. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که دانشمندان از شهیدان یک درجه بالاترند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳۸۰/۹؛ الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۳۸۳: ۲۶۴/۵؛ میبدی، کشف الاسرار، ۱۳۷۱: ۱۹/۱۰).

از امام علی علیه السلام روایت شده که اگر کسی در حال طلب علم از دنیا برود، بین او و پیامبران یک درجه فاصله است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳۸۰/۹؛ الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۳۸۳: ۲۶۴/۵؛ میبدی، کشف الاسرار، ۱۳۷۱: ۱۹/۱۰).

در حدیث دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است که سه گروه در روز رستاخیز شفاعت می‌کنند: پیامبران، دانشمندان و شهیدان (آلوسی، روح المعانی، ۱۴۱۵: ۲۶/۲۸).

ج: توجه به مراتب علم (ظاهری، باطنی)

﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآيَاتِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ ﴿شوری/ ۳۱﴾؛ «و برای هیچ بشری (شایسته) نیست که خدا با او سخن بگوید، جز به وحی (مستقیم) یا از پشت مانعی یا فرستاده‌ای (از فرشتگان) می‌فرستد، و با رخصت او آنچه را بخواهد وحی می‌کند؛ [چرا] که او بلندمرتبه‌ای فرزانه است».

﴿فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ﴿كهف/ ۶۵﴾؛ «و بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمتی از جانب خود به او داده، و دانشی از نزد خویش به او آموخته بودیم».

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿قصص/ ۷﴾؛ «و به مادر موسی وحی (الهام) کردیم که: «او را شیر ده؛ و هنگامی که بر (جان) او ترسیدی، پس وی را در دریا بیفکن؛ و نترس و اندوهگین مباش، [چرا] که ما او را به سوی تو باز می‌گردانیم، و وی را از فرستادگان (خود) قرار می‌دهیم».

﴿وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ ﴿انبياء/ ۷۳﴾؛ «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما، (مردم را) رهنمون می‌شوند؛ و انجام نیکی‌ها و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم؛ و فقط پرسش‌کننده ما بودند».

﴿أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ ﴿یونس/ ۲﴾؛ «آیا برای مردم شگفت‌آور است، که به سوی مردی از آنان وحی نمودیم که: «مردم را هشدار ده، و به کسانی که ایمان آورده‌اند مژده ده: که برای آنان گامی راستین (و پیشرو در شرافت) نزد پروردگارشان است»؟! کافران گفتند: «بی‌شک این ساحری آشکار است!».

﴿وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿شوری/ ۵۲﴾؛ «و این گونه، از فرمان خویش به سوی تو (قرآن) روح‌بخش را وحی کردیم، در حالی که نمی‌دانستی کتاب (قرآن) و ایمان (به محتوای آن) چیست؛ و لیکن آن را نوری قرار دادیم که به وسیله‌ی آن هرکس از بندگانش را که بخواهیم (و شایسته بدانیم)، راه‌نمایی می‌کنیم؛ و قطعاً، تو به سوی راه راست راه‌نمایی می‌کنی».

﴿وَ نَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿شمس/ ۷- ۸﴾؛ «سوگند به نفس و آن‌که آن را مرتب



ساخت، * و بدکاری اش و پارسایی اش را به او الهام کرد!».

نکات تفسیری

۱. «وحي» در اصل به معنای اشاره‌ی سریع است که به صورت کلام رمزی یا صدا یا اشاره با اعضا و یا نوشتن صورت می‌گیرد و در قرآن کریم در معانی مختلفی استعمال شده است؛ الف. به معنای اشاره که در مورد حضرت زکریا آمده است (مریم/ ۱۱)؛ ب. به معنای الهام غریزی که در مورد زنبور عسل آمده است (نحل/ ۶۸)؛ ج. به معنای الهام به جمادات که در مورد زمین آمده است (زلزال/ ۵)؛ د. به معنای الهام به انسان که در مورد مادر موسی آمده است (قصص/ ۷)؛ ه. به معنای تدبیر و تقدیر تکوینی نظام هستی که در مورد آسمان‌ها آمده است (فصلت/ ۱۲)؛ و. به معنای امر و دستور که در مورد حواریین آمده است (مانده/ ۱۱۱)؛ ز. به معنای وسوسه و دروغ‌پردازی که در مورد شیطان‌ها آمده است (انعام/ ۱۱۲)؛ ح. به معنای خبر دادن یا وحی تسدید که در مورد پیشوایان دین آمده است (انبیاء/ ۷۳)؛ البته ممکن است، برخی از این اقسام با برخی دیگر قابل ادغام باشند.

حقیقت و وحی بر ما پوشیده است، ولی می‌دانیم که پیامبران شعوری مرموز داشته‌اند که می‌توانسته‌اند پیام‌های الهی را دریافت کنند و بقیه‌ی انسان‌ها از آن محروم بودند. آنان همچون بنیان در شهر نابینایان و مانند کسانی بودند که دستگاه گیرنده‌ای قوی در اختیار داشتند که حقایق الهی و قرآنی را شهود می‌کردند و می‌گرفتند و برای مردم حکایت می‌نمودند.

۲. دانش معلم موسی یک علم عادی نبود، بلکه علمی از نزد خدا بود به طوری که او را بر اسرار جهان و رموز حوادث آگاه می‌ساخت.

۳. «الهام» گاهی آگاهانه است، همچون وحی که به سوی اولیای الهی همچون مریم و مادر موسی فرستاده می‌شد (قصص/ ۷) و گاهی غریزی و ناخودآگاه است، همچون وحی که به سوی زنبور عسل فرستاده می‌شود (نحل/ ۶۸).

۴. علوم و آگاهی‌های خود را منحصر در علوم تجربی (طبیعی - انسانی) و عقلی (مثل فلسفه و منطق و ریاضیات) و نقلی (تاریخ و ادبیات) ندانید.

۵. از علوم ماوراء طبیعی مثل وحی، الهام و علم لدنی در پیشرفت‌های علمی بهره ببرید تا درهای تازه‌ای از آگاهی و اطلاعات و دانش به روی شما گشوده شود.

د: علم جامع‌نگر (علم مطلوب قرآنی)

در آیات قرآن به چهار دسته ذیل اشاره شده است:

۱ - علوم تجربی:

قرآن گاهی توجه انسان را به طبیعت جلب می‌کند و او را به کیهان‌شناسی و طبیعت‌شناسی و انسان‌شناسی و... تشویق می‌کند.

برای مثال:

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾ (طارق/ ۵)؛ «پس انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است!».

﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ (عبس/ ۲۴)؛ «و انسان باید به غذایش نظر کند».

﴿سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا﴾ (نمل/ ۶۹)؛ «در زمین گردش کنید و بنگرید».

۲ - علوم عقلی:

قرآن توجه انسان را به عمق تاریخ جلب می‌کند و داستان‌های عبرت‌آموز پیامبران و ملت‌های پیشین را بیان می‌کند، و یا وقایع تاریخی صدر اسلام (همچون جنگ‌ها و...) را گزارش و ثبت می‌کند.

برای مثال دعوت به برهان ﴿هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ﴾ (بقره/ ۱۱۱)؛ «دلیل روشنتان را بیاورید».

دعوت به تعقل و تفکر و تدبیر (در آیات متعدد)

هدف قرآن خردورزی (یوسف/ ۲)

۳ - علوم نقلی:

قرآن به علوم نقلی نیز توجه کرده است، از جمله تاریخ پیامبران و اقوام و شخصیت‌های تاریخی،

همچون: داستان یوسف ۷، داستان موسی ۷ و آیات مربوط به ذوالقرنین و...

۴ - علوم شهودی:

قرآن از وحی و الهامات الهی به انسان‌ها سخن می‌گوید (شوری/ ۵۱؛ مومنون/ ۲۷؛ طه/ ۳۸) و

علم الهی را که از نزد خدا به برخی انسان‌ها می‌رسد (= علم لدنی) گوشزد می‌کند.

﴿وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا﴾ (کهف/ ۶۵)؛ «و دانشی از نزد خویش به او آموخته بودیم».

نتیجه: راه‌های کسب معرفت بشری چهار مورد است که قرآن به همه موارد توجه کرده است (ر.ک:

رضایی اصفهانی، تعامل قرآن و علوم، ۱۳۹۰ ش).

آری، هر چند هدف قرآن بیان جزئیات تمام علوم بشری نیست (ر.ک: رضایی اصفهانی پژوهشی

در اعجاز علمی قرآن، ص ۳۵)؛ اما می‌توان در قرآن اشاراتی به علوم مختلف یافت. به عبارت دیگر



قرآن به روش تعقلی، تجربی، نقلی و شهودی توجه کرده است و نمونه‌هایی از آنها را در قرآن یادآوری نموده است و همین توجه قرآن به روش‌ها و منابع علوم، به معنای لزوم به کارگیری این منابع است.

دانش میان‌رشته‌ای کل‌گرا (فرارشته‌ای)

قرآن کریم به همه ابعاد زندگی بشر توجه دارد اعم از ابعاد معنوی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و... که این امر موجب شده که موضوع میان‌رشته‌ای زیادی در قرآن مطرح شود که همکاری میان‌رشته‌ای و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای را می‌طلبد و به طور طبیعی منتهی به پیدایش دانش‌های جدید میان‌رشته‌ای می‌گردد. ولی علاوه بر این مطالب قرآن هم به علوم تجربی بشر توجه کرده و به حواس و فرآورده‌های آن اهمیت می‌دهد و هم به تعقل و خرد انسانی توجه کرده است و هم توجه انسان را به ماوراء عالم طبیعت معطوف می‌دارد و رابطه او را با وحی پیامبران الهی و خدا برقرار می‌سازد. از این رو به انسان دیدی فرارشته‌ای و جامع‌نگر می‌دهد و دانش میان‌رشته‌ای کل‌گرا عنایت می‌کند. شاید این مطلب مهم‌ترین ارمان علمی قرآن برای بشر در عصر حاضر به شمار آید. که انسان قرآنی جامع دانش تجربی، بیش عقلانی و آگاهی و حیانی است و از جزئی‌نگری به امور هستی خارج می‌شود و دید کلی به جهان و علوم پیدا می‌کند.

تذکر: در مورد دانش میان‌رشته‌ای قرآن و علم لازم است از شیوه تفسیر موضوعی میان‌رشته‌ای استفاده شود که توضیح مبحث مستقلی را می‌طلبد (ر.ک: رضایی اصفهانی، شیوه‌های تفسیر موضوعی، ۱۳۸۸).

دانش جامع‌نگر (حکمت فراگیر)

در حقیقت دانش جامع‌نگر، نگاهی قرآنی به علم است که می‌تواند مرحله تکامل یافته دانش میان‌رشته‌ای به شمار آید این دانش دارای مؤلفه‌ها و استدلال است که بر اساس مقدمات فوق‌الذکر سامان می‌یابد.

مؤلفه‌ها

یک: به کارگیری علم تجربی در بررسی پدیده‌ها

دو: به کارگیری عقل و خرد فلسفی برای تکمیل و تفسیر تجربه‌ها

سه: استفاده از حقایق و حیانی برای نگاه قدسی به علم و معلوم و... جهت‌دهی به اهداف و مبانی علوم

مقدمات استدلالی

۱- قرآن نگاه جامع به دانش دارد (همانطور که در مقدمه اول گذشت)

۲- قرآن نگاه جامع به انسان دارد (همه ابعاد وجودی انسان اعم از معنوی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، بدنی و..)

۳- نتیجه دو مقدمه فوق آن است که قرآن به حکمت فراگیر یا دانش جامع نگر دعوت می‌کند که فراگیران به ابعاد یک پدیده از نگاه علم تجربی، عقل و وحی نگاه کنند؛ نه به صورت تک بعدی و تک رشته‌ای و جزئی؛ در نتیجه نگاه قرآنی به علم با نگاه تک بعدی رایج تمدن غربی به علم متفاوت است.

نتیجه

قرآن به دانش جامع نگر (حکمت فراگیر) دعوت می‌کند این نگاه قرآنی به علم بنیان اساسی تمدن اسلامی آینده است که دانش خاصی را بر اساس مبانی و اهداف قرآنی پایه‌ریزی و تحوّل اساسی در علوم به ویژه علوم انسانی فراهم می‌سازد که با رویکرد فعلی رایج در غرب نسبت به دانش متفاوت است.

ه: لزوم مراجعه به متخصصان علمی

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل/۴۳)؛ «و پیش از تو، جز مردانی که به سوی آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم؛ پس اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید».

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُّوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (انبیاء/۷)؛ «و پیش از تو، جز مردانی که به سوی آنان وحی می‌کردیم، نفرستادیم. پس اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید».

نکات تفسیری

۱. «ذکر» در اصل به معنای حفظ کردن یا یادآوری است. این یادآوری گاهی به وسیله‌ی دل و باطن و گاهی به وسیله‌ی زبان و لفظ است؛ از این رو قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز از مصادیق ذکر هستند؛ چون حقایق را بازگو کرده، مایه‌ی ذکر و توجه انسان و دوری او از غفلت‌ها هستند.

۲. بسیاری از مفسران قرآن بر آن‌اند که مقصود از «اهل ذکر» در این آیه، دانشمندان یهود و مسیحیت هستند؛ چرا که آیه از مشرکان می‌خواهد که اگر در مورد بشر بودن پیامبران قبلی تردید دارید، به دانشمندان اهل کتاب مراجعه کنید. آنان منبع خوبی برای مشرکان به شمار می‌آمدند؛ چون هم در مخالفت با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با مشرکان هم عقیده بودند و هم افراد مطلعی بودند.

البته این تفسیر نوعی بیان مصداق آیه در زمان نزول آن است، وگرنه مفهوم آیه عام است و شامل همه‌ی متخصصان و آگاهان در هر عصر می‌شود.

۳. برخی مفسران برآن اند که مقصود این آیه مراجعه و پرسش از اهل اطلاع و متخصصان هر رشته است و به این آیه در مورد تقلید جاهل از عالم و پیروی مردم از مراجع تقلید و لزوم مراجعه به مجتهدان، کارشناسان و متخصصان استناد شده است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۴۴/۱۱).

۴. مراجعه‌ی افراد غیر متخصص به متخصصان و صاحب نظران، یک امر عقلایی است که مورد اشاره و تأکید قرآن قرار گرفته است، ولی باید توجه داشت که لازم است انسان به متخصصان درستکار و صادق مراجعه کند و به همین دلیل عدالت و تقوا در مورد مراجع تقلید شرط شده است.

۵. در برخی از احادیث شیعه و اهل سنت حکایت شده که مقصود از ذکر، قرآن یا شخص پیامبر صلی الله علیه و آله است و منظور از اهل ذکر، همان امامان و اهل بیت علیهم السلام هستند که می‌توانیم از آنان پرسش کنیم و آگاه شویم (ر. ک: کلینی، اصول کافی، ۱۳۶۱: ۱/۲۱۰؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۲۷/۶۳؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۱۴۱۰: ۴/۸۴۷؛ الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۳۸۳: ۳/۵۵-۵۶؛ تستری، احقاق الحق، بی تا: ۳/۴۸۲) البته امامان (ع) از مصادیق کامل آیه هستند ولی معنای آیه در آنها منحصر نمی‌شود.

۶. در این آیه اشاره شده که هر جا نمی‌دانید، پرسش کنید. این یکی از آداب پرسشگری است که انسان در جایی که می‌داند برای خودنمایی یا زیر سؤال بردن دیگران پرسش نکنند و هر جا هم که نمی‌داند، سکوت نکنند و خجالت نکشد و بپرسد.

و: لزوم صبر و مقاومت در راه کسب علم

«قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا؟ قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا» وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا؟ قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا (كهف/ ۶۶ - ۷۲)؛ (موسی به او گفت: «آیا از تو پیروی کنم تا از آنچه به تو آموزش داده شده، هدایت را [به من] بیاموزی؟») * (معلم او) گفت: «در واقع تو نمی‌توانی با من شکیبایی کنی! * و چگونه بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری شکیبایی کنی؟!») * (موسی) گفت: «اگر خدا بخواهد بزودی مرا شکیبا خواهی یافت؛ و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد».

نکات تفسیری

۱. در قرآن کریم حدود هفتاد بار از «صبر» سخن گفته شده است. صبر به معنای تحمل بدبختی‌ها و تن دادن به ذلت و تسلیم در برابر عوامل شکست نیست، بلکه به

معنای شکیبایی، پایداری و استقامت در برابر هر مشکل و حادثه است.

۲. صبر را به سه شاخه تقسیم کرده‌اند:

الف) صبر در اطاعت، یعنی مقاومت در برابر مشکلات راه اطاعت.

ب) صبر بر معصیت، یعنی ایستادگی در برابر انگیزه‌های گناه و شهوات سرکش.

ج) صبر بر مصیبت، به معنای پایداری در برابر حوادث ناگوار و عدم قبول شکست روحی و خودداری از جزع و فزع (ر. ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۵۱۸/۱).

۳. خدای متعال با هرکس و در هر جا حضور دارد ﴿وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾ (حدید/ ۴)؛ لکن همراهی خدا با صابران معنای خاصی دارد و آن لطف و محبت و یاری‌رسانی خدا به صابران است؛ علاوه بر آن‌که، استقامت و بردباری، نوعی مداومت در ارتباط با خدا را ممکن می‌سازد، در حالی که بی‌قراری و بی‌صبری این ارتباط و توجه را می‌گسلد.

۴. در این آیات شرایط معلم و شاگرد و آداب دانشجویی و طلبگی بیان شده است؛ یعنی این آیات آموزه‌هایی اخلاقی، علمی برای همه‌ی معلمان و شاگردان در بردارد که عمل به آنها از لغزش‌های بسیاری جلوگیری می‌کند.

۵. در این آیات بیان شده که معلم باید:

اولاً، خود آموزش دیده و متخصص باشد، تا بتواند مطالب صحیح به شاگرد بیاموزد.

ثانیاً، در مورد هر دانشجو دقت کند که چه چیزی به صلاح اوست و سبب رشد و هدایت او می‌شود، پس همان مطالب را به او بگوید.

ثالثاً، قبلاً با شاگردان شرط کند که صبور باشند و روند آموزش را قطع نکنند.

رابعاً، شکیبا باشد و هرگاه شاگردان لغزش داشتند آنها را ببخشد.

۶. انسان نمی‌تواند در مورد، چیزی که نمی‌داند، صبر کند، پس زیربنای شکیبایی، آگاهی است.

این آموزه‌ای برای مسئولان و رهبران جامعه است که اگر اطلاع‌رسانی به موقع و دقیق نداشته باشند و مطالب را برای مردم روشن نسازند، ممکن است ذهن برخی به خطا برود و قضاوت‌های ناآگاهانه بنمایند.

۷. صبر و استقامت در راه علم زمینه‌ساز رشد علمی و رسیدن به مقامات عالی علمی است. اما کم‌صبری و کم‌حوصلگی و شتاب‌زدگی در علم زمینه‌ساز کم‌عمقی و بی‌مایه شدن دانش‌پژوهان می‌شود و طالبان علم می‌خواهند یک شبه ره صد ساله بروند و به همه چیز برسند و وقتی به آن



نمی‌رسند یا ناامید می‌شوند یا به روش‌های غیر صحیح روی می‌آورند.

ز: کسب علم مفید (نه علم‌نماها)

﴿وَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ﴾ (بقره/ ۱۰۲)؛ «و [آنها] آنچه را می‌آموختند که به ایشان زیان

می‌رسانید و سودی برایشان نمی‌بخشید؛ و بی‌یقین (یهودیان) می‌دانستند».

نکات تفسیری

۱. بخش دوم این آیه مربوط به داستان دو فرشته‌ی الهی، یعنی هاروت و ماروت است که در شهر بابل (نام منطقه‌ای در عراق است که در بین نجف و کربلای فعلی واقع است) فرود آمدند. خلاصه‌ی داستان از این قرار است که این دو فرشته زمانی که بازار سحر رونق داشت و مردم گرفتار چنگال ساحران بودند، به میان مردم بابل آمدند.

آنان مأمور بودند تا مردم را با راه باطل کردن سحر ساحران آشنا کنند، ولی از آنجاکه لازمه‌ی خنثی کردن یک مطلب (مثل خنثی‌سازی یک بمب) آگاهی انسان از خود آن مطلب است، آن دو فرشته ناچار بودند ابتدا اسرار و فنون سحر را برای آن مردم شرح دهند. در این میان برخی از مردم یهود از این آموزش سوءاستفاده کردند و آن را وسیله‌ی ترویج سحر قرار دادند (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹: ۱۰۶/۱۲-۱۰۷).

یهودیان از این آزمایش الهی پیروز بیرون نیامدند و با سوءاستفاده از برنامه‌ی سازنده الهی از آن دو فرشته مطالبی آموختند تا بتوانند بین زن و شوهر جدایی بیفکنند. آری، آنان به جای آن‌که از آن به عنوان وسیله‌ی اصلاح و مبارزه با سحر استفاده کنند، آن را وسیله‌ی فساد و ضرر قرار دادند.

۲. به دنبال سحر نروید که پیامدی جز زیانکاری در دنیا و آخرت ندارد و به دنبال دانش‌های واقعی و مفید باشید نه علم‌نماهای زیان‌آور (مثل سحر و کهنات).

۳. علم باید کاربردی باشد که مشکلات فکری و عملی زندگی انسان را حل کند و در جامعه اسلامی زمینه رشد علوم مفید را فراهم سازید و مانع رشد و فعالیت علم‌نماها شویم.

ح: به دنبال دانش‌های قرآن‌بنیان بودن (جهاد علمی و فرهنگی به وسیله قرآن)

﴿فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ (فرقان/ ۵۲)؛ «پس از کافران اطاعت مکن، و به وسیله‌ی

آن (قرآن) با جهاد بزرگ (فرهنگ) ی با آنان مبارزه کن».

تذکر: در مورد جهاد کبیر و نکات آن در صدر مقاله مطالبی بیان شد.

نتیجه

در جهاد علمی مبتنی بر قرآن لازم است مبانی و اصول فوق رعایت شود تا حرکت جهادی قرآنی در عرصه علم شکل گیرد و علوم برخاسته از این حرکت جهادی جهت‌گیری الهی پیدا کند و به انحراف کشانده نشود.

چهارم: پیامدها و نتایج جهاد علمی در گام دوم

هر چند که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به خوبی نتایج جهاد علمی در گام اول انقلاب اسلامی را بر شمرده‌اند (ر.ک: سایت مقام معظم رهبری، بیانیه مهم و راهبردی در چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی (www.leader.ir) (عبارات ایشان در مقدمه مقاله ذکر شد). لیکن در اینجا از منظر قرآن و احادیث پیامدها و نتایج جهاد علمی تبیین می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

الف: حرکت روزافزون به طرف قله‌های دانش

بر اساس مبانی و اصولی که برای حرکت جهادی بیان شد مجاهد علمی دانش خود را ناچیز می‌شمارد و از خدا می‌خواهد که بر دانش او بیفزاید:

﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾ (اسراء/ ۸۵)؛ «و از دانش، جز اندکی، به شما داده نشده است».

﴿قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾ (طه/ ۱۱۴)؛ «بگو: پروردگارا! مرا دانش افزای».

از این رو حرکت جهاد علمی، یک حرکت صعودی روزافزون و بدون وقفه است و این مطلب موجب پیدایش فرهنگ علمی خاص در بین مسلمانان شده و می‌شود که نتیجه آن در نوآوری‌ها، اختراعات و ابداعات مستمر علمی ظاهر می‌شود که جامعه اسلامی و تمدن اسلامی را در سطح جهان پیش‌رو و برتر می‌گرداند.

همان‌طور که در چند قرن اولیه تمدن اسلامی اتفاق افتاد و در ایران بعد از انقلاب اسلامی شاهد شتاب علمی چند برابر متوسط جهانی است و رتبه علمی ایران در منطقه خاورمیانه اول و در سطح جهانی شانزدهم است (آمار مقایسه‌ای مربوط به رتبه علمی ایران در منطقه و جهان حاکی از این است که این رتبه در دوره ۶ ساله ۹۲ تا ۹۸ افزایش یافته است).

ارتقا رتبه علمی ایران در منطقه و جهان / افزایش تعداد دانشگاه‌ها

به گزارش گروه دانشگاه خبرگزاری تسنیم به نقل از وزارت علوم، براساس آمار مقایسه‌ای مربوط به

رتبه علمی ایران در منطقه و جهان در سال‌های ۹۸ - ۹۲، رتبه علمی ایران در پایگاه اسکوپوس از رتبه ۱۸ در سال ۱۳۹۲ به رتبه ۱۶ در سال ۱۳۹۸ همچنین در پایگاه ISI از رتبه ۲۱ در سال ۱۳۹۲ به رتبه ۱۶ در هشت ماه اول سال ۱۳۹۸ رسیده است. در همین بازه زمانی تعداد دانشگاه‌های ایران بین دانشگاه‌های برتر دنیا در نظام رتبه‌بندی تایمز از یک دانشگاه در سال ۱۳۹۲ به ۲۹ دانشگاه در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است. تعداد دانشگاه‌های ایران بین دانشگاه‌های برتر دنیا در نظام رتبه‌بندی لایدن از ۵ دانشگاه در سال ۱۳۹۲ به ۲۶ دانشگاه در سال ۱۳۹۸ رسیده است. این در حالی است که ایران در سال ۱۳۵۷ در دنیا هیچ رتبه علمی نداشته و در سال ۱۳۹۲ به رتبه هجدهم دنیا رسیده و در سال‌های ۹۷ و ۹۸ در رتبه شانزدهم دنیا قرار گرفته است. تعداد مقالات نمایه‌شده در پایگاه‌های بین‌المللی نیز رشد قابل توجهی داشته است. در پایگاه اسکوپوس تعداد مقالات ایرانی در سال ۱۳۵۷ معادل صفر بوده است و این تعداد در سال ۱۳۹۲ به ۴۲ هزار و ۳۱۴ مقاله رسیده و پس از آن در سال ۹۷ به ۶۰ هزار و ۱۰۸ و در سال ۹۸ تاکنون ۵۹ هزار و ۹۵۱ مقاله نمایه شده‌اند.

دانشگاه‌های جمهوری اسلامی ایران. همچنین در پایگاه ISI در سال ۱۳۵۷ تعداد مقالات ایرانی ۶۶۹ مقاله بوده است و این تعداد در سال ۱۳۹۲ به ۳۰ هزار و ۹۴۶ مقاله و پس از آن در سال ۹۷ به ۵۵ هزار و ۲۸۷ رسیده است، و در سال ۹۸ تاکنون ۵۰ هزار و ۶۱۵ مقاله نمایه شده‌اند (خبرگزاری تسنیم، ۲۱ بهمن ۱۳۹۸) و این در حالی است که قبل از انقلاب اسلامی رشد علمی در ایران مطرح نبود و در چهل سال گام اول ایران گرفتار تحریم‌های ظالمانه غرب بوده و هست. آری بر همین اساس جهاد علمی می‌تواند در گام دوم انقلاب اسلامی نیز جهشی علمی ایجاد کند و تمدن اسلامی را به قله‌های دانش در دنیا برساند.

ب: حرکت انقلابی مخلصانه و پرتلاش با جان و مال در راه خدا

همان‌طور که در مفهوم جهاد تلاش و اخلاص نهفته است. جهاد علمی نیز که نوعی جهاد کبیر است حرکتی پرتلاش (کبیر) و با اخلاص است.
﴿فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ (فرقان/ ۵۲)؛ «پس از کافران اطاعت مکن، و به وسیله‌ی آن (قرآن) با جهاد بزرگ (فرهنگ) ی با آنان مبارزه کن».

حرکت جهادی، تلاشی مستمر و با دل و جان است که فراتر از وظایف روزمره و قانونی افراد می‌باشد. مجاهدان کسانی هستند که روز و شب و ساعت اداری بر آنها محدودیت کاری ایجاد نمی‌کند و همه زندگی و عمر خویش را وقف حرکت جهادی می‌کنند و حتی اموال خود را در این راه

مصرف می‌کنند و از جان مایه می‌گذارند:

مجاهدان کسانی هستند که برای خدا تلاش می‌کنند و اخلاص دارند.
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَعُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (مائده/ ۳۵)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید؛ و به او تقرّب جوئید؛ و در راه او جهاد کنید؛ باشد که شما رستگار شوید».

از این رو مجاهدان علمی منتظر دستمزد و آفرین گویی و جایزه نیستند و ریاکاری نمی‌کنند بلکه بدون ادعا و توقع در راه رضای الهی برای پیشرفت علیم جامعه اسلامی شبانه‌روز تلاش می‌کنند تا مروزهای دانش را بشکنند و به نظریه‌ها و تولیدات علمی جدید برسند که این تولید علمی در عرصه نظامی، اقتصادی، بهداشتی و ... جامعه اسلامی را به عزت و قدرت می‌رساند.
آری آینده تمدن اسلامی بلکه تمدن بشری و کاخ علوم را کسانی برپا می‌کنند که چنین روحیاتی دارند، نه افراد سست عنصر و ریاکار و قدرت طلب و شهرت خواه و عافیت دوست.

ج: تولید دانش‌های قرآن بنیان

مجاهدان عرصه جهاد علمی بر اساس قرآن حرکت می‌کنند و در حقیقت در مسیر جهاد کبیر هستند.

﴿فَلَا تُطِيعُوا الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ (فرقان/ ۵۲)؛ «پس از کافران اطاعت مکن، و به وسیله‌ی آن (قرآن) با جهاد بزرگ (فرهنگ) ی با آنان مبارزه کن».
بنابراین مرجعیت علمی قرآن را پذیرفته و مبانی و اهداف علوم را بر اساس آن باز تعریف می‌کنند و علوم طبیعی و انسانی را جهت‌دهی می‌کنند.

همان طور که مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید:

«ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است» (در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور (۱۳۸۸/۷/۱۸) (ر.ک: سایت مقام معظم رهبری (www.leader.ir)

«حضرت آیت الله خامنه ای جهت دادن به نحوه استفاده از علوم طبیعی در جامعه را، از دیگر وظایف حوزه‌ها خواندند» (دیدار با جمعی از طلاب سراسر کشور، ۱۳۹۸/۲/۱۸).

اکنون که انقلاب اسلامی چهل سال پر شکوه و پرفراز و نشیب همراه با عزت و رشد علمی چشم گیر را پشت سر گذاشت، وقت آن رسیده که بر اساس رهنمودهای راهبردی بیانیه گام دوم انقلاب

به سمت سیاست اساسی نظام در حوزه علوم انسانی یعنی تولید علوم انسانی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی برویم و حتی در راستای جهت‌دهی به علوم طبیعی بر اساس قرآن حرکت کنیم. همان‌طور که مقام معظم رهبری - دامت برکاته - در سخنرانی رمضان امسال بر لزوم پرداختن حوزویان به مبانی و اهداف علوم طبیعی و جهت‌دهی به آن تأکید کردند (ر.ک: سایت مقام معظم رهبری (www.leader.ir)) برای مثال وقتی اقتصاد بر اساس اهداف قرآنی شکل گیرد، جامعه به طرف برپایی عدالت و گردش ثروت بین همه مردم و کم کردن فقر حرکت می‌کند.

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید/ ۲۵)؛ «به یقین فرستادگانمان را با دلیل‌های روشن (معجزه‌آسا) فرستادیم، و همراه آنان کتاب (الهی) و ترازو را فرورستادیم تا مردم به دادگری برخیزند؛ و آهن را فرورستادیم که در آن نیرویی شدید و سودهایی برای مردم است».

﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَاللرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ لَا يَكُونُ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ (حشر/ ۷)؛ «آنچه از (غنایم) اهل آبادیها که خدا به فرستاده‌اش بازگردانده است، پس فقط برای خدا و برای فرستاده [اش] و برای نزدیکان [او] و یتیمان و بینویان و در راه‌مانده است، تا (ثروت‌ها) در میان توانگران شما [دست به دست] نگردد».

اما وقتی اقتصاد بر اساس ملاک‌های مادی و غیرالهی حرکت کند به دنبال بهره‌کشی بیشتر است و در این راه مردم مستضعف را فقیرتر و مستکبران را ثروتمندتر می‌سازد. علاوه بر آن مجاهدان عرصه جهاد علمی به دنبال علم مطلوب قرآنی یعنی دانش جامع‌نگر هستند. از این رو با ایجاد تحول در اهداف، مبانی و اصول حاکم بر علوم، به تولید علم جدید دست می‌یابند که هر چند ارزش‌ها معتبر تجربی استفاده کرده است، لیکن جهت‌گیری (اهداف و مبانی) آن بر اساس آموزه‌های قرآنی است.

شاید این مطلب مهم‌ترین دست‌آورد جهاد علمی برای دنیای علم و انسان معاصر باشد که اولاً علم را از خدمت قدرت و ثروت خارج می‌کند و در مسیر الهی برای خدمت بشر سوق می‌دهد.

ثانیاً از سوء استفاده از علم به دست سیاستمداران قدرت طلب و ثروتمندان حریص جلوگیری می‌کند و از تکرار فجایعی مثل هیروشیما جلوگیری می‌شود و اصول اخلاقی و دینی بر جامعه علمی حاکم می‌شود.



نتیجه

از مطالبی که در این نوشتار آمد نتیجه می‌گیریم که جهاد علمی که در بیانیه گام دوم انقلاب آمده، زیر مجموعه جهاد فرهنگی (جهاد کبیر) قرآن است که دارای اهداف خاص (همچون معرفت‌افزایی، عزت‌افزینی و...) و نیز دارای اصول و مبانی خاص خویش (همچون: دانش‌طلبی، صبر و مقاومت، علم جامع‌نگر و...) و هم‌چنین دارای پیامدها و نتایج مثبت (مثل حرکت انقلاب به طرف قله‌های دانش و تولید دانش‌های قرآن بنیان) است که می‌تواند در گام دوم انقلاب اسلامی نقش تمدن ساز داشته باشد.



منابع

۱. ابن ابی الحدید المعتزلی، عبد الحمید بن محمد، شرح نهج البلاغة، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهیم، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۳۸۷ ق.
۲. ابن فارس، احمد ابن حسین، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ ق، اول.
۴. الإسترآبادی، شرف الدین علی الحسینی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة، قم، مدرسه الإمام المهدي، ۱۴۰۷ ق.
۵. امام صادق، مصباح الشریعة، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق / ۱۹۸۰ م.
۶. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۷. محمدعلی، رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (دو جلد)، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، قم، ۱۳۸۵ ش.
۸. التستری، نورالله، احقاق الحق، بی نا، بی جا، بی تا.
۹. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تعامل قرآن و علوم، انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. الحازمی، عبدالرحمن بن سعید بن حسین، التوجیه الاسلامی لاصول التریبه، مکه، جامعه ام القرى، ۱۳۸۲ ش.
۱۱. حق شناس، علی محمد، حسین سامعی و نرگس انتخابی، فرهنگ معاصر هزاره، انتشارات فرهنگ معاصر، ۱۳۸۱.
۱۲. الحویزی، عبدالعلی بن جمعه العروسی، تفسیر نور الثقلین، ۱۳۸۳ ق، المطبعة العلمیة، قم، پنج جلدی.
۱۳. خبرگزاری تسنیم، ۲۱ بهمن ۱۳۹۸.
۱۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۶۵ ش.

۱۵. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطق تفسیر قرآن (۵) - قرآن و علوم طبیعی و انسانی، انتشارات المصطفی، قم، ۱۳۹۲.
۱۷. زركشى، بدرالدين محمد بن عبدالله، البرهان فى علوم القرآن، دار المعرفة، بيروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. سایت مقام معظم رهبری (www.leader.ir).
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، الأملی، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۲. طبرسی، علی، مشکاة الانوار، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۴. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، طهران، دارالاسوة للطباعة و النشر، ۱۴۱۶ ق.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: نشر دفتر نشر فرهنگ اهل البيت، ۱۳۶۱ ش.
۲۶. کوفی، محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، تهران: مكتبة النینوی الحدیثه، بی تا.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعه، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
۲۸. مصطفی، ابراهیم، الزیات، احمد حسن، عبدالقادر، حامد، النجار، محمدعلی، معجم الوسیط، تحقیق ابراهیم انیس، عبدالحلیم منتصر، عطیه الصوالحی، محمد خلف الله احمد، ترکیه، دار الدعوة، بی تا.
۲۹. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵ ش.
۳۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، شیوه‌های تفسیر موضوعی، مجله پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۲. میرمرسی، محمد، اصول التریبیه الثقافیه والفلسفیه، بی جا، بی نا، بی تا.



۳۳. میبیدی، احمد بن محمد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تحقیق حکمت علی اصغر، تهران: امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۱ ش.
۳۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة)، تحقیق و نشر، موسسه آل البيت علیهم السلام قم، ۱۴۰۹ قمری.

References

۱. Al-Astarabadi, Sharaf al-Din Ali al-Hosseini, Interpretation of the Apparent Verses in the Virtues of the Holy Ahl Bayt, Qom, Madrasah Imam Al-Mahdi, ۱۴۰۷ AH.
۲. Al-Hazimi, Abdul Rahman bin Saeed bin Hossein, Islamic Justification of the Principles of Education, Mecca, Umm al-Qura University, ۲۰۰۳.
۳. Al-Howeizi, Abdul Ali bin Juma al-Arousi, Tafsir Noor Al-Thaqalayn, Al-Matba'ah al-Ilmiyyah, Qom, ۶ Volumes, ۱۳۸۳ AH,
۴. Al-Tustari, Noorullah, Ihqaq al-Haq, n.p., N.p., n.d.
۵. Alusi, Seyyed Mahmud, Ruh al-Ma'ami fi Tafsir al-Quran al-Azeem (The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Quran), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, ۱۴۱۵ AH.
۶. Dehkhoda, Ali Akbar, Dehkhoda's Dictionary, Tehran: Institute of Printing and Publishing, University of Tehran, ۳rd Edition, ۱۹۹۸.
۷. Haqshinas, Ali Muhammad, Hossein Samei and Nargis Intikhabi, Hazara Contemporary Dicionary, Farhang Mo'aser Publications, ۲۰۰۲.
۸. Hurr Amili, Muhammad bin Hassan, Wasail al-Shiah (Tafsil Wasail al-Shiah ila Tahsil Masail al-Shariah), Research and published by Alul Bayt Institute Qom, ۱۴۰۹ AH.
۹. Ibn Abi al-Hadid al-Mu'tazili, Abdul Hamid bin Muhammad, Commentary on Nahj al-Balaghah, Researched by Muhammad Abu al-Fadhl Ibrahim, Beirut: Dar Ihya al-Turath, ۱۳۸۷ AH.
۱۰. Ibn Faris, Ahmad bin Hossein, Mu'jam Maqais al-Lughah (Dictionary of Comparative Language), Researched by Abdul Salam Muhammad Harun, Al-Dar al-Islamoyyah, ۱۴۱۰ AH.
۱۱. Ibn Manzoor, Muhammad bin Mukarram, Lisan al-Arab (Language of the Arabs), Dar Ihya al-Turath al-Arabi, Beirut, ۱st Edition, ۱۴۰۸ AH.
۱۲. Imam Sadiq, Misbah al-Shari'ah (The Lantern of Shariah), Beirut, Muassasah al-A'lami lil Matbua'at, ۱st Edition, ۱۴۰۰ AH / ۱۹۸۰ AD.



۱۳. Kufi, Muhammad, Al-Ja'fariyyaat (Al-Ash'athiyat), Tehran: Maktabah Al-Ninawi al-Haditha, n.d.
۱۴. Kulayni, Muhammad bin Ya'qub, Usul al-Kafi, Tehran: Ahl al-Bayt Culture Publishing Office, ۱۹۸۲.
۱۵. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar al-Jamiah (The Comprehensive Oceans of Lights), Beirut: Al-Wafa Foundation, ۱۴۰۴ AH.
۱۶. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir Nemooneh (The Ideal Exegesis), Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۹۹۰.
۱۷. Meybodi, Ahmad bin Muhammad, Kashf al-Asrar wa Uddah al-Abarb (Discovering the Secrets and the Number of Noble), Researched by Hikmat Ali Asghar, Tehran: Amir Kabir, ۵th Edition, ۱۹۹۲.
۱۸. Mir Mursi, Muhammad, Principles of Cultural and Philosophical Education, N.p., n.p., n.d.
۱۹. Moein, Muhammad, Moein's Dictionary, Tehran: Amir Kabir, ۱۹۹۶.
۲۰. Muhammad Ali, Rezaei Isfahani, Research in the Scientific Miracle of the Quran (Two Volumes), Publications of Quranic Interpretation and Sciences, Qom, ۲۰۰۶.
۲۱. Mustafa, Ibrahim, Aa-Ziyat, Ahmad Hassan, Abdul Qadir, Hamid, al-Najjar, Muhammad Ali, Al-Wasit Dictionary, Researched by Ibrahim Anis, Abdul Halim Montaser, Atiyah Al-Salihi, Muhammad Khalafullah Ahmad, Turkey, Dar Al-Da'wah, n.d.
۲۲. Qomi, Sheikh Abbas, Safinah al-Bihar (The Arch of Oceans), Tehran, Dar al-Uswa for Printing and Publishing, ۱۴۱۶ AH.
۲۳. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, An Introduction to the Scientific Interpretation of the Quran, Uswa Publications, Qom, ۱۹۸۶.
۲۴. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, Methods of Thematic Interpretation, Journal of Quran and Hadith Research, Vol. ۶, Spring and Summer ۲۰۰۹.
۲۵. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, The Interaction of Quran and Science, Publications of Quranic Interpretation and Science Research, ۲۰۱۱.

۲۶. Rezaei Isfahani, Muhammad Ali, The Logic of Quran Interpretation (۵) - Quran and Natural and Humanities, Al-Mustafa Publications, Qom, ۲۰۱۳.
۲۷. Saduq, Muhammad bin Ali bin Babawayh (Sheikh Saduq), Al-Amali (The Dictations), Beirut, A'lami, ۱۴۰۰ AH.
۲۸. Saduq, Muhammad bin Ali bin Babawayh (Sheikh Saduq), Ma'ani al-Akhbar (The Meanings of Narrations), Qom, Islamic Publishing Institute, ۱۴۰۳ AH.
۲۹. Tabarsi Fadhl bin Hassan, Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Confluence of Expressions in Quranic Exegesis), Tehran: Naser Khosrow, ۳rd Edition, ۱۹۹۳.
۳۰. Tabarsi, Ali, Mishka al-Anwar (Niche of Lights), Najaf, Al-Muktabah al-Haydariyyah, ۱۳۸۵ AH.
۳۱. Tasnim News Agency, February ۱۱, ۲۰۱۷.
۳۲. Tusi, Muhammad bin Hassan (Sheikh Tusi), Tahdhib al-Ahkam fi Sharh al-Muqna'a, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyyah ۴th Edition, ۱۴۰۷ AH.
۳۳. Website of the Supreme Leader (www.leader.ir).
۳۴. Zarkashi, Badruddin Muhammad bin Abdullah, Al-Burhan fi Uloom al-Quran (A Demonstration in Quranic Exegesis), Dar al-Ma'rifah, Beirut, ۴ Volumes, ۱۴۱۰ AH.